

امنیت و مشارکت اجتماعی زنان در مواجهه با نابهنجاری‌های محله‌ای (مطالعه وضعیت زندگی ساکنان برج‌های نواب و اطراف)

پردیس عامری^۱

(تاریخ دریافت ۹۶/۰۲/۱۵، تاریخ پذیرش ۹۷/۰۴/۱۵)

چکیده

فضاهای شهری صحنه‌هایی هستند که فعالیت‌های عمومی زندگی شهری در آنها رخ می‌دهد. احتمال وقوع جرم در فضاهای بی‌دفاع شهری یا جرم‌زا، به دلیل امکان پذیرنبودن رؤیت بصری، بیشتر است. پژوهش حاضر، که در محله نواب تهران در پاییز سال ۱۳۹۳ صورت گرفته است، از نوع کیفی و به روش نظریه مبنایی است. داده‌ها از مسیر مشاهده میدانی و مصاحبه عمیق با ۳۰ نفر از افراد بالای ۲۵ سال (زنان خانه‌دار لیسانس و دیپلم، زنان و مردان کارمند و کسبه محل، نگهبان بوستان محله، رئیس سرای محله، رانندگان تاکسی و دیگر افراد مطلع درباره موضوع) در محله نواب جمع‌آوری شده است. به دنبال پاسخ به این پرسش‌های کلی که ساکنان این محله چه وضعیتی دارند، چه راهکارهایی برای بهبود وضعیت زندگی آنها با مشارکت زنان محله تصورپذیر است و آسیب‌های اجتماعی موجود، به چه اختلالاتی در کارکرد خانواده‌ها انجامیده است، سه مقوله "امنیت اجتماعی، به‌خاطرآفتادن بهداشت خانواده (روانی-جسمی) و اختلال در کنش‌های سازنده اجتماعی-فرهنگی" به‌منزله مقولات برجسته استخراج شدند. مطابق نتایج، زنان محله مشارکت خود را بی‌نتیجه یا همراه با نتایج کوتاه‌مدت در بهبود وضعیت محله دانستند، آسیب‌ها به ایجاد نظمی جدید منجر شده بود که هر دو گروه بزهکاران پراکنده در محله و آسیب‌دیدگان را به واکنش‌های اغلب طعنه‌آمیز درقبال نظام برنامه‌ریزی و نظارت جامعه واداشته بود. دستاورد نهایی

۱. پژوهشگر حوزه اجتماعی و جنسیت، دانشجوی دکتری علوم اجتماعی/ مطالعات زنان (گرایش مطالعات نظری جنسیت)، دانشگاه قم pardisameri27@gmail.com

کاربردی پژوهشگر در میدان تحقیق، شکل‌گیری فضای تملک مقطعی فضا به‌دست زنان محله بود، که این مشارکت متداوم دیده نشد و زنان ساکن این محدوده مشارکت اجتماعی مداوم را بی‌نتیجه، طنزآلود و حتی خطرناک ارزیابی کردند. در خلال تحقیق، توصیفی که در سطحی بالاتر دربارهٔ وضعیت کلی فرهنگی-اجتماعی زنان و خانواده‌های ساکن برج‌های نواب در معرض آسیب‌های متعدد حاصل شد، "تقابل کارناوالی در فضای شهری" نام گرفت.

واژگان کلیدی: زنان، فضاهای شهری، امنیت اجتماعی، مشارکت اجتماعی، محله نواب، کارناوال.

مقدمه و طرح مسئله

شهرهای بزرگ در عصر جدید به محل تراکم جمعیت، تبادل کالا، اشیا و اطلاعات و از طرفی به محل اقدامات مجرمانه با ویژگی کاهش امنیت اجتماعی مبدل شده‌اند و مجموعه این عوامل باعث بروز مشکلات، افزایش نابرابری‌های اجتماعی و فقر و بزهکاری و حتی در مواردی تغییر در هنجارها و رفتارهای اجتماعی افراد شده است. با توجه به اینکه در برخی مناطق و نواحی شهر تهران، به‌منزله کلان‌شهر، مواردی مانند تأمین‌نشدن امنیت اجتماعی یا رفت‌وآمدهای آزادانهٔ بزهکاران و از طرف دیگر، پدیده‌هایی مانند فقدان امکانات تفریحی برای گذران فراغت خانواده‌ها دیده می‌شود، نیز به‌دلیل بافت سنتی، در بیشتر این‌گونه مناطق که زنان و کودکان خانواده‌ها در محل سکونت خود تردد دارند و شاید درصد کمتری از این زنان شاغل باشند، بیشترین آسیب‌ها از گسترش پدیده‌های ناامنی اجتماعی گزارش می‌شود. در جامعه هدف این پژوهش، یعنی محدودهٔ برج‌های نواب و ساکنان برج‌ها و اطراف آنها، ناهنجاری‌های اجتماعی به‌صورت اقدامات مجرمانهٔ علنی گسترش یافته است؛ مانند خریدوفروش مواد در محل‌های عبورومرور دانش‌آموزان دبیرستان محله و سرای محله، که بیشتر زنان خانه‌دار به آنجا رفت‌وآمد دارند؛ ایجاد صحنه‌های نامناسب از نظر تأثیر منفی در جامعه‌پذیری فرزندان خانواده‌های ساکن در اطراف مدرسه؛ ناامن بودن مکان‌های تفریحی و بوستان‌ها، چه از نظر محیط تردد و چه از نظر وجود ابزار نامناسب و آسیب‌زننده برای بازی کودکان؛ و نمودهای ظاهری فقدان امنیت اجتماعی، بهداشتی و اختلال در کارکردهای خانواده‌ها. کلیهٔ این موارد، در کنار هم، به ایجاد ناهنجاری در تعامل اجتماعی محله‌ای و مناسبات درون خانواده منجر شده است. فضاهای عمومی مانند بوستان‌ها و خیابان‌ها از جمله محیط‌های جذاب شهری هستند که وقتی، به‌دلیل وقوع جرم، به مکان‌های کسب غیرقانونی و آسیب‌زای اقتصادی همچون محل خریدوفروش مواد تبدیل شوند یا به‌دلیل خطرناک بودن، از وسائل تفریحی و ورزشی و بازی کودکان نتوان استفاده

کرد، این احتمال وجود دارد که ناپهنجاری‌های موجود در خانواده و مشارکت اجتماعی خانواده‌ها بیشترین آسیب‌ها را در پی داشته باشد؛ به‌ویژه برای زنان این خانواده‌ها که غالباً خانه‌دارند و معمولاً از محله خارج نمی‌شوند.

ازسوی دیگر، لازم است اعضای جامعه در اداره امور محله، شهر و روستا به‌صورت مستقیم یا غیرمستقیم مشارکت کنند و در شکل‌دادن به حیات اجتماعی خود نقش داشته باشند. این مسئله درباره زنان و اعضای خانواده‌ها در سطح محله‌ها نیز صادق است و ضرورت توجه به موانع مشارکت و حضور آنها در عرصه عمومی را، که دغدغه تحقیق حاضر بوده است، برجسته می‌کند. ضرورت چنین تحقیقی این است که به‌نظر می‌رسد امروزه بسیاری از ناپهنجاری‌های نهانی که زیربنای ناپهنجاری‌های وسیع‌تر در سطح جامعه هستند گسترش یافته‌اند. این‌گونه مشکلات اجتماعی از افزایش آسیب‌پذیری و رشد آسیب‌های اجتماعی، به‌ویژه در سطح محله‌ها، نشان دارد؛ به‌خصوص در کلان‌شهر تهران، که در برخی از محله‌هایش، بافت‌های جدید و قدیم شهری خانواده‌ها و افرادی با فرهنگ‌های مختلف در کنار هم زندگی می‌کنند. از این‌رو، نگاه تک‌بعدی در این پژوهش‌ها نتیجه‌ای نخواهد داشت. لازم است آسیب‌شناسی و اقدامات پیش‌گیرانه، به‌صورت متوازن، صورت گیرد. از جمله فضاهایی که در آنها جرم‌های زیادی در سال‌های اخیر گزارش شده است، فضاهای سبز و بوستان‌ها در شهرهای بزرگ هستند. مشکلاتی نظیر وجود افراد بزه‌کار، معتادان، کنار هم سکنی‌داشتن افراد بی‌خانمان و خانواده‌هایی که محلی امن تحت عنوان خانه در اختیار دارند، نزاع و مزاحمت‌های خیابانی، خریدوفروش مواد در فضاهای بسته در محله‌هایی همچون برج‌های نواب در نزدیکی ساکنان این محله‌ها، باعث ایجاد ناامنی‌های وسیع برای افراد و خانواده‌های ساکن شده است. وجود فضاهای بی‌دفاع و ناامن در محیط سکونت خانواده‌ها و محل‌های تردد فرزندان آنها به مدرسه و خانه، آسایش ساکنان محله را سلب کرده است. همه این عوامل در میزان مشارکت اجتماعی افراد، به‌ویژه زنان خانه‌دار این محله‌ها، اثرگذار است و پرداختن به آسیب‌ها و ناپهنجاری‌های محلی و ارائه راه‌کارهایی برای تأمین امنیت ساکنان ضروری به‌نظر می‌رسد.

پرسش‌های پژوهش

محدوده برج‌های نواب چه وضعیت اجتماعی و فرهنگی‌ای دارد و میزان شناخت، حساسیت و رضایتمندی خانواده‌های ساکن در این برج‌ها، به‌ویژه زنان خانه‌دار، در مواجهه با ناپهنجاری‌های موجود در محله‌شان چقدر است؟ آسیب‌های اجتماعی محدوده برج‌های نواب چه اختلالاتی در کارکرد خانواده‌های ساکن در آنجا ایجاد می‌کند؟ چه راه‌کارهایی برای افزایش مشارکت اجتماعی خانواده‌های ساکن برج‌ها و زنان محله تصورپذیر است؟

مرور مفاهیم

از مفاهیم درخور تأمل درباره موضوع تحقیق، آسیب و آسیب‌شناسی اجتماعی است. آسیب اجتماعی به هر نوع عمل فردی یا جمعی اطلاق می‌شود که در چارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی رسمی و غیررسمی جامعه قرار نمی‌گیرد و در نتیجه با منیع قانونی یا قبح اخلاقی و اجتماعی روبه‌رو می‌شود. به همین دلیل، کج‌روان سعی دارند رفتار خود را از دید ناظران قانون، اخلاق عمومی و نظم اجتماعی پنهان کنند؛ زیرا در غیر این صورت با پیگرد قانونی یا طرد اجتماعی مواجه می‌شوند (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۵). مفهوم دیگر مشارکت اجتماعی است. مشارکت میزان دخالت اعضای جامعه در فرآیند تصمیم‌گیری است و جوهر مشارکت منابع مشترک گروه در جامعه و منافع مشترک فرد و گروه است (لهسایی‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۰). مشارکت به معنای از چیزی سهم‌داشتن و از آن سود بردن یا در گروهی عضو بودن و همکاری کردن است. پس، در معنای اول، از تعلق به گروهی خاص و داشتن سهمی در هستی آن خبر می‌دهد و در معنای دوم، داشتن حضور فعالانه در گروه را بیان می‌کند و به فعالیت اجتماعی انجام‌شده نظر دارد (بیرو، ۱۳۷۰).

مشارکت اجتماعی بر آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضای جامعه در امور محله، شهر و روستای خود و به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در شکل‌دادن به حیات اجتماعی خود سهیم‌اند (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۸۹-۱۱۰). مفاهیم مهم دیگر امنیت و آسیب‌شناسی اجتماعی است. امنیت حالت فراغت از هرگونه تهدید و حمله یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید است و احساس امنیت این‌گونه را امنیت اجتماعی می‌گویند (آشوری، ۱۳۸۵: ۳۸). مفهوم آسیب‌شناسی اجتماعی^۱ نیز عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌های اجتماعی. آسیب‌شناسی اجتماعی مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌ها، ناهنجاری‌ها و آسیب‌های مختلف، همراه با شناخت علل و شیوه‌های پیش‌گیری از آنها و نیز مطالعه نابسامانی اجتماعی است. مفهوم فضا و فضای شهری در تاریخ تفکر اجتماعی و در قالب مکاتب نظری کلاسیک و نو شکل گرفته است.

از نظر ارسطو، فضا مجموعه‌ای از مکان‌ها و زمینه‌ای پویا با اعراض کیفی متفاوت است. این اعراض و آن زمینه فضا را با اصالت عمل تنظیم می‌کنند و اسلوب می‌بخشند (نوربرگ شولتز، ۱۳۵۴: ۸۰). اما برخی فضا را تعیین‌کننده روابط انسانی می‌دانند، بعضی فضا را بُعد مادی جامعه فرض می‌کنند و روابط اجتماعی را در شکل‌دادن به آن مؤثر می‌دانند و گروهی دیگر هم

1. Social Pathology

معتقدند که فضا هم امکانات و هم محدودیت‌هایی ایجاد می‌کند که مردم آن را برطبق معیارهای فرهنگی خود انتخاب می‌کنند (تولایی، ۱۳۷۲: ۱۱۳). از مفاهیم درخور توجه دیگر در مطالعات فضا و شهر، فضاهای بی‌دفاع یا جرم‌خیز شهری است. این‌گونه فضاها از دید محفوظانند و به این دلیل، محلی دنج برای فعالیت‌های ناپهنجار محسوب می‌شوند و فاقد امکان نظارت اجتماعی هستند.

پیشینه پژوهش

نایی و همکاران در پژوهشی با عنوان «نقش فضاهای بی‌دفاع شهری در رفتارهای خشونت‌آمیز» (۱۳۹۰: ۱۹۹-۲۳۱) بر این باورند که در فرآیند شکل‌گیری و بروز رفتارهای خشونت‌آمیز، عواملی از جمله محیط‌های بی‌دفاع، نقشی شایان توجه دارند. اما خشونت‌ها در فضاهای مختلف شهری متفاوت‌اند و مطالعات اندکی به تفکیک محله‌ها و انواع و میزان خشونت‌های توزیع شده در آنها صورت گرفته است.

در مطالعه‌ای دیگر با عنوان «توسعه شهری و آسیب‌شناسی اجتماعی ایران» (علی‌اکبری، ۱۳۸۳: ۴۹-۶۹)، محقق معتقد است که الگوی توسعه شتابان شهرنشینی در ایران با آسیب‌های اجتماعی فراوان همراه بوده است. هم‌اکنون شهرها، به‌ویژه کلان‌شهرها و خود تهران، به کانون‌های بروز جرم و ناهنجاری تبدیل شده‌اند. سامان‌دهی فضا و هدایت آن به‌سوی نظم فضایی منطبق با الزامات جغرافیایی شهر راه‌کاری مؤثر در جهت کاهش رفتارهای ناهنجار و تعدیل اجتماعی شهری محسوب می‌شود.

در تحقیقی با عنوان «زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری» (گلی، ۱۳۹۰: ۱۴۳-۱۶۵)، پژوهشگر به مطالعه بوسستانی در شیراز پرداخته است. مطابق یافته‌های این تحقیق، زنان نسبت به مردان ارتباطی متفاوت با فضا برقرار می‌کنند؛ از این‌رو، لازم است تسهیلات خاصی برای ایجاد حس امنیت در آنها در محلات و فضاهای شهری مهیا شود.

در پژوهشی دیگر، که به عوامل مؤثر در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری اختصاص دارد (گلی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۶-۱۳۵)، امنیت از نیازهای اساسی اجتماعات انسانی شمرده شده که لازم است در برنامه‌ریزی شهری به مقوله امنیت زنان در فضاهای شهری توجهی ویژه شود؛ زیرا درمیان درصد درخور توجهی از زنان تحت مطالعه، احساس امنیت هم‌بستگی معنی‌داری با ضرورت ایجاد تغییر در طرح فضاهای مسکونی، تجاری و فضاهای عمومی داشته است و از این‌رو لازم است برنامه‌ریزان شهری برای خلق فضاهای مناسبی که امکان حضور همه گروه‌ها را فراهم آورد، بکوشند.

در پژوهش «اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان (مطالعه موردی: زنان شهرستان جویبار)»، ابراهیمی و مسلمی‌پطروودی (۱۳۹۱: ۷۳-۹۱) چگونگی گذران اوقات فراغت بازنای از سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر جامعه شناسایی شده است و مطابق یافته‌ها، میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های فراغتی کمتر از حد متوسط بوده است. مطابق تحقیقی درباره «روند تحولات تاریخی فضاهای گذران اوقات فراغت زنان، از قاجاریه تاکنون در شهر تهران» (احمدپور و سالاروندیان، ۱۳۹۱: ۵۱-۷۴)، یکی از مهم‌ترین انواع فضاهای عمومی شهر، فضاهای گذران اوقات فراغت معرفی شده است. نتایج تحقیق حاکی از آن است که حضور زنان در فضاهای فراغتی، که متعلق به هر دو جنس است، نسبت به گذشته قدری بیشتر شده است.

مرور نظری

بسیاری تصور می‌کنند الزام محققان بر نداشتن هیچ‌گونه پیش‌فرض نظری در روش نظریه‌مبنایی به معنای صرف نظر کردن از مرور ادبیات نظری موجود درباره موضوع است. اما با اینکه ضروری است ادبیات پیشین در جریان رمزگذاری داده‌ها محقق را محدود نکند، مرور مبانی نظری مهم‌ترین نقطه شروع پژوهش است؛ از این نظر که در شکل‌گیری نگاه محقق در فرآیند جمع‌آوری، تحلیل و تبیین داده‌ها و در ایجاد مقولات اصلی تحقیق تأثیری جدی دارد (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۵۳). با یاری گرفتن از رویکردهای نظری مرور شده، داده‌ها به مفاهیم و مقولات خاصی دسته‌بندی می‌شوند. در بسط نظری پایان کار، امکان دارد که هر محقق بنا به حساسیت نظری خود، به یافته‌ای جداگانه دست یابد، از زاویه دید خاص و متفاوت خود به مقوله مرکزی نگاه کند و موضوع متفاوتی را برجسته‌تر ببیند. در تحقیق حاضر، محقق داده‌هایی را بر پایه دست‌یابی به راه‌کارهایی گردآوری کرده است که به حس امنیت اجتماعی بیشتر زنان و خانواده‌های ساکن برج‌های نواب منجر می‌شدند و از طرفی تبیین‌کننده نوع کنش‌های آنها در فضای جرم‌خیز هستند. مبانی نظری ذیل در تحلیل داده‌ها در نظر گرفته شده‌اند که با توجه به تناسب آنها با دغدغه اصلی تحقیق انتخاب شده‌اند.

نظریات بی‌هنجاری (آنومی)^۱

اصطلاح بی‌هنجاری، که نخستین بار در کتاب تقسیم کار اجتماعی دورکیم به کار برده شد، به "بی‌سازمانی اجتماعی" تعبیر می‌شود. ارتباط معناداری بین بی‌هنجاری با کنترل اجتماعی و

1 Anomie Theory

رفتار انحرافی، فقر، زادوولد زیاد و گسستگی خانواده‌ها وجود دارد. می‌توان گفت پیامدهای بی‌هنجاری اجتماعی شامل میزان زیاد جرم، اعتیاد، فحشا و بیماری‌های روحی و روانی، و نادیده‌گرفتن آسیب‌های موجود است. دورکیم بی‌هنجاری یا نابسامانی اجتماعی را به وضعیتی اجتماعی اطلاق می‌کند که در آن هنجارهای تعمیم‌یافته و پذیرفته‌شده جامعه، تضعیف یا ناکارآمد شده باشند. دورکیم پیامد وضعیت بی‌هنجاری را سست‌شدن هم‌بستگی اجتماعی و پیوندهای گروهی در جامعه می‌داند. در نتیجه این وضعیت، بحران اجتماعی و ازهم‌پاشیدگی اجتماعی پیش می‌آید و پیوندهای گروهی فرد تضعیف می‌شوند (آرون، ۱۳۶۴: ۳۶۵). در چنین جامعه‌ای، بزه‌کاری رواج می‌یابد.

نظریه پنجره‌های شکسته^۱

جیمز ویلسون^۲ و جورج کلینگ^۳، سال ۱۹۸۶ در پی ارائه نظریه ای، اینگونه استدلال کردند که جرم نتیجه نابسامانی است. اگر پنجره‌ای شکسته باشد و مرمت نشود، آن کس که به شکستن قانون و هنجارهای اجتماعی تمایل دارد، با مشاهده بی‌اعتنایی جامعه به موضوع، شیشه دیگری را خواهد شکست. دیری نمی‌پاید که شیشه‌های بیشتری شکسته می‌شود و این احساس آناشستی، بی‌قانونی و هرج‌ومرج از خیابان به خیابان و از محله‌ای به محله دیگر گسترش می‌یابد و با خود پیام‌هایی را به همراه دارد از این قرار که: هر کاری را که بخواهید مجازید انجام دهید، بدون آنکه کسی مزاحم شما شود، با توجه به این نظریه، وقتی در محله و محیط سکونت بعضی رفتارهای نامطلوب به صورت عادی تکرار می‌شوند، کم‌کم قبح آنها از میان می‌رود و به جامعه بزرگ‌تر، شهر و در سطح وسیع‌تر به کشور منتقل می‌شود (جوآنمرد، ۱۳۸۶: ۷۸-۷۷).

نظریه کارناوال باختین در آسیب‌شناسی اجتماعی

جامعه‌شناسی ادبیات بر برقرارکردن رابطه بین ادبیات و عناصر اجتماعی تأکید دارد. لوکاچ، گلدمن و میخائیل باختین در شکوفایی این رشته سهم بسزایی داشته‌اند. نظریه کارناوال یا "جشن‌رهای موقت از حقیقت غالب" را میخائیل باختین، یکی از نظریه‌پردازان بنام جامعه‌شناسی ادبیات، مطرح کرد. کارناوال جشنی است که در آن ممنوعیت‌ها به حال تعلیق درمی‌آیند و رویدادی مردمی-انتقادی است که در تقابل با جدیت فرهنگ رسمی حاکم، قدرت

1. Broken Windows
2. James Wilson
3. George Kelling

و نیروهای ناظر پدید می‌آید؛ هم دهان‌کجی به فرهنگ مسلط است و هم نیست؛ نوعی نظم جدید است که در نهایت به دنبال ارائه قانون خاصی هم نیست (پوینده، ۱۳۷۷: ۴۷۴-۴۷۷). به‌طور کلی، می‌توان گفت آنچه به‌زعم باختین کارناوال خوانده می‌شود، این فرصت را ایجاد می‌کند که رسوایی‌های حقیقی آشکار شود و در نتیجه فضای تمسخرآمیزی شکل گیرد. در چنین وضعیتی، مردم به‌منزله کلی تشکل‌یافته، ماهیت سازمان حاکم بر جامعه را به مبارزه می‌طلبند و به سخره می‌گیرند.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کیفی است و به‌روش نظریه‌مبنایی صورت گرفته است. پژوهش کیفی محدود ولی ژرفانگر^۱ است، با کیفیت روابط و فرآیند اجتماعی سروکار دارد و در تحلیل‌های انتقادی-اجتماعی روشی مناسب است. ازسویی، روش نظریه‌مبنایی می‌تواند در مسیر یافتن مقوله‌های برجسته تحقیق کارساز باشد. در این روش، فرآیند رمزگذاری به سه مرحله باز، محوری و انتخابی تقسیم می‌شود. فرآیند تحلیل از رمزگذاری باز آغاز و درحالت ایده‌آل به رمزگذاری انتخابی ختم خواهد شد. رسیدن به رمزگذاری انتخابی و تدوین نظریه برای تمام پژوهش‌هایی که به این شیوه انجام می‌شوند ممکن نیست و می‌توان کار را در مرحله ارائه مفاهیم و تجزیه و تحلیل آنها به‌پایان رساند (استراس و کوربین، ۱۳۸۵: ۱۱۷) یا به توصیفی در سطحی بالاتر از تحلیل‌های صورت‌گرفته، بنا به دقت نظری محقق و حساسیت او و با توجه به عوامل موجود در میدان تحقیق، دست یافت.

داده‌های گردآوری‌شده برای تحقیق حاضر از مسیر تجزیه و تحلیل زبان مردمی، مشاهده وسیع میدانی، فایل‌های صوتی مصاحبه‌ها و تصاویر، مطالعات کتابخانه‌ای و روش اسنادی، مصاحبه با ۳۰ نفر از افراد بالای ۲۵ سال (زنان خانه‌دار لیسانس و دیپلم، زنان و مردان کارمند و کسبه محل، نگهبان پارک محله، رئیس سرای محله، رانندگان تاکسی و...) جمع‌آوری شده‌اند و انتخاب نمونه‌ها با حساسیت نظری و جنسیتی همراه بوده است. در نمونه‌گیری نظری، هر مورد تحت سه حالت انتخاب می‌شود: یکی اینکه به‌نظر رسد انتخاب آن مورد برای پرکردن مقولات نظری و بسط نظریه ضرورت دارد. دوم آنکه انتخاب یک مورد برای تکرارشدن موارد قبلی درجهت آزمودن نظریه انجام گیرد و تأکیدی بر اهمیت آن موارد باشد و در آخر، انتخاب موردی که به‌منزله قطب متضاد نظریه باشد و این انتخاب به قصد بسط‌دادن نظریه انجام

1. Holismus

می‌شود (همان، ۶۵). دلیل انتخاب نمونه‌ها این بوده است که این گروه‌ها (خود یا فرزندانشان) در سرای محله بیشترین رفت‌وآمد را داشته‌اند و تا حدی خواستار خروج از انزوا در خانه بوده‌اند. همچنین، بیشترین ارتباط را با مصادیق مجرمانه موجود در محل داشتند یا شاهد هر روزه وضعیت آسیب‌زا بوده‌اند. با توجه به روش انتخاب‌شده برای این پژوهش، اشباع نظری، بازنگری و معناکاوی چندباره داده‌های مستندسازی‌شده، تصاویر، مصاحبه‌ها، مشاهده‌ها و یادداشت‌های میدانی محقق و استخراج مفاهیم و درنهایت مقوله‌هایی که به اشباع رسیده‌اند، ضامن اعتبار و پایایی نتایج تحلیلی خواهند بود. قلمرو مکانی، محله نواب (برج‌های نواب و خانه‌های اطراف این برج‌ها) است. نام قدیمی این محدوده، محله دخانیات واقع در منطقه ۱۱ شهرداری تهران و قلمرو زمانی انجام تحقیق، پاییز سال ۱۳۹۳ است.

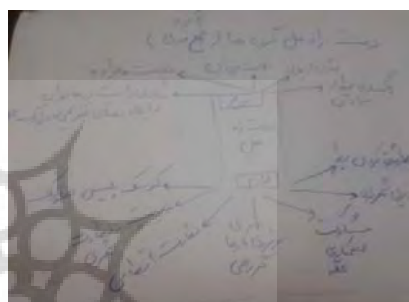
تحلیل داده‌ها، استخراج مفاهیم و مقوله‌ها

باتوجه به روش و پرسش‌های تحقیق، تلاش شده است با ارائه تعدادی از اسناد، شامل عکس‌ها و درنهایت ارائه مفاهیم استخراج‌شده از همه محل‌های گردآوری داده‌ها، به مهم‌ترین مقولاتی که به سؤالات تحقیق پاسخ می‌دهند پرداخته شود. اینکه ساکنان برج‌های نواب و اطراف آن چه وضعیت اجتماعی، فرهنگی و محیطی‌ای دارند و میزان رضایتمندی خانواده‌های ساکن این محدوده چقدر است و پاسخ به اینکه چه راه‌کارهایی با مشارکت زنان محله می‌توان تدوین کرد و آسیب‌های اجتماعی موجود چه اختلالاتی در کارکرد خانواده‌های ساکن برج‌های نواب و وضعیت زندگی و امنیت زنان ایجاد کرده است، محل تمرکز گردآوری داده‌ها خواهد بود. در ادامه، مفاهیم اصلی استخراج می‌شود، و پژوهشگر با توجه به مقوله‌های به‌دست‌آمده و به‌اشباع‌رسیده از مفاهیم، به‌سوی بسط مفهومی یا در صورت امکان نظریه‌پروری می‌رود. در تصاویری که در ادامه می‌آیند، تعداد محدودی از جلسه‌هایی نمایش داده شده است که در آنها زیر عنوان تسهیل در فرآیند "بارش فکری"، زنان ساکن برج‌های نواب و اطراف آن درباره زندگی، فراغت، حس امنیت خود و خانواده و دغدغه‌های مختلفشان سخن گفته و نظر داده‌اند. این جلسه‌ها به‌صورت مصاحبه‌های تفصیلی برگزار شده و مفاهیم آنها در تحقیق استخراج و به‌کار گرفته شده است. زنان ساکن این محدوده، با کشیدن طرح‌های راه‌کاری و مسیر حل مشکلات، که مورد نظر تسهیلگر و محقق پژوهش حاضر بوده است و بر یافتن راه‌حل با مشارکت خود آنها تأکید داشته است، به جمع‌بندی مباحث مطرح‌شده در جلسه‌های کارگاه‌های آموزشی پرداخته‌اند.

در تصویر ۱، جمع‌بندی راه‌حل‌های درختی که زنان ساکن محل ترسیم کرده‌اند دیده می‌شود. تأکید زنان بر سلامت روانی و جسمی فرزندان و خانواده‌شان، ایجاد فضای شاد و امن، دور شدن محل زندگی از معتادان و فروشندگان مواد مخدر و کارگران جنسی است که محلی‌ها آنها را با القابی مثل زنان خراب، تن‌فروش و... می‌نامند و به ارائه راه‌حل‌هایی مطابق تصویر منتهی شده است. از جمله این راه‌حل‌ها می‌توان به «برنامه‌ریزی شهری صحیح با هدف افزایش بهداشت محیطی»، «افزایش نظارت پلیس در محله و بوستان محوطه برج‌های نواب»، و «کمک به افزایش مشارکت ساکنان محل در جهت بهبود وضعیت» اشاره کرد.



تصویر ۲



تصویر ۱

تصویر ۲، یکی از جلسه‌های تسهیلگری و فرآیند بارش فکری زنان برای ترسیم درخت راه‌حل است که با جمع‌بندی نقدها و نظرات مشارکت‌کنندگان در این کارگاه، به صورت مشارکتی و به‌دست سرگروه این کلاس ترسیم شده است که فردی از میان خود زنان ساکن محله بوده است.



تصویر ۳ مینی‌بوسی است که در محوطه برج‌ها و نزدیک به دبیرستان دخترانه محله، مقابل بوستان سرای محله، اغلب به‌صورت ثابت پارک شده است و به آشپزخانه (محل خرید و فروش یا استعمال مواد) معروف است. در مصاحبه‌ها و فایل‌های صوتی، نگهبان‌های پارک و کسبه محله

اذعان کردند که در این مکان خریدوفروش مواد صورت می‌گیرد یا مانند برخی فضاهای بی‌دفاع محله، خانه‌های قدیمی خالی از سکنه به کارگران جنسی برای بردن مشتری‌هایشان به این مکان‌ها اجاره داده می‌شود.



تصویر ۴

تصویر ۴، که خود زنان ساکن برج‌ها در دوره تسهیلگری برای کمک در بهتر شناختن فضا به محقق داده‌اند، نمایی از مناطق بی‌دفاع این محله است که به مکانی برای خواب و زندگی افراد کارتن‌خواب، معتاد و بزه‌کار، یا افرادی که در محل خفت‌گیری می‌کنند و فضا را ناامن می‌کنند تبدیل شده است. این محدوده در پشت برج‌ها، مشرف به محل تردد دبیرستان دخترانه محله و نزدیک بوستان است که قرار بوده جایی برای فراغت و ورزش خانواده‌ها و کودکان باشد و از طرفی هم در مجاورت سالن ورزشی شهرداری قرار دارد که مخصوص بانوان است.

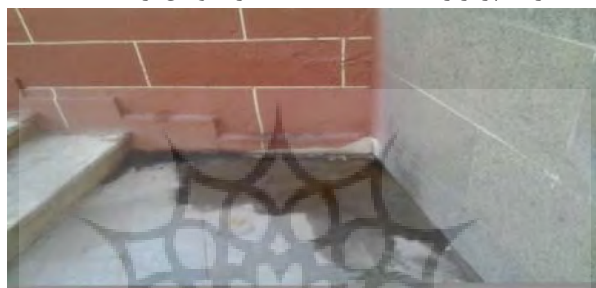


تصویر ۵

تصویر ۵ مقابل درب دبیرستان دخترانه محله است که بیشتر مواقع، بنا به گفته مادران دانش‌آموزان و دیگر ساکنان محله، فاقد سطل آشغال است یا آن‌قدر دیر زباله‌ها تخلیه می‌شوند که فضای مقابل درب مدرسه و محل ورود و خروج فرزندان ساکن محله، صبح و ظهر، چنین

نمایی دارد و همراه با آلودگی و بوی تعفن است.^۱ در مصاحبه‌ها، "مریم" که از ساکنان دغدغه‌مند و حساس محله و از زنان فعال در حوزه اجتماعی نسبت به دیگران است و فرزندش به همین دبیرستان می‌رود، می‌گوید:

«ما نه تنها از نظر جانی و نداشتن محیط غیر آسب‌زا مشکل داریم، بلکه بچه من هر روز باید این منظره را همان اول صبح که برای آغاز درس و کلاس به مدرسه می‌رود ببیند و این به شدت مرا ناراحت می‌کند. من دختر بسیار با استعدادی دارم و در این فضا، که حتی منظره ورودی صبح او به مدرسه پر از زباله است، به شدت افسرده و دل‌مرده شده است.»



تصویر ۶

تصویر ۶ زیر پنجره سالن ورزشی شهرداری است که در محدوده برج‌های نواب قرار دارد و ویژه بانوان است. تصویر نشان‌دهنده فضولات انسانی است که با شست‌وشوی صبح‌گاهی نگهبان بوستان، بوی تعفن آن تمام فضای سالن ورزش زنان را فرا می‌گیرد، که محلی با قیمت مناسب یا رایگان است و شاید انتخاب دیگری به جز این محل نداشته باشند. بوستان سلامت در کنار این برج‌ها و در مجاورت محل ورزش و سرای محله و محل استقرار افراد بی‌خانمانی قرار دارد که برخی معتادند و بر رفتار خود کنترل ندارند و در اینجا به صورت دائمی ساکن هستند. بنا به مصاحبه با ساکنان محله، غالباً این اقشار به جای استفاده از توالت عمومی، در فضای بوستان قضای حاجت می‌کنند. مشاهده چنین صحنه‌هایی، صبح‌ها در این محله و این مکان، در ظاهر به امری عادی تبدیل شده است و در روحیه، سلامت و حس امنیت دانش‌آموزان، زنان، خانواده‌ها و کودکان محله آثاری به شدت منفی دارد. در مصاحبه‌ای که با نگهبان بوستان انجام شد، او هم اظهار ناراحتی کرده است:

۱. محقق در ساعت تعطیل شدن دانش‌آموزان عکس گرفته است.

«من پیر هستم و زور آن چنانی و توانی برای درافتادن آن‌هم فیزیکی با افرادی که معتاد هستند و بعضی اوقات می‌بینم که چاقوکشی هم در دعوای بین خودشان انجام می‌دهند ندارم. چندبار به مسئولان گفته‌ایم، اما این وضع ادامه داشته است و من هم یک‌تنه از پس اینها بر نمی‌آیم».



تصویر ۷

تصویر ۷ وسایل بازی کودکان را در محدوده بستان محله نشان می‌دهد. این وسایل نه تنها قدیمی‌اند، بلکه بخشی از آهن‌های آنها کنده شده و به کودکان این محله در زمان بازی آسیب زده است. مادران و پدران هم برای همین موضوع کمتر بچه‌ها را به این محیط می‌آورند که می‌تواند رایگان بخشی از اوقات فراغت آنها را پر کند. این وسایل بازی بستان سلامت، در کنار فضای جرم‌خیز و فاقد مؤلفه‌های بهداشتی، بستان را از محلی مناسب برای گذران فراغت خانواده‌های ساکن برج‌ها و کوچه‌های اطراف خارج کرده است. از طرفی، مسیر دبیرستان دخترانه از همین بستان می‌گذرد و خانواده‌ها ترجیح می‌دهند همین مسیر کوتاه را هم با فرزندانشان تا مدرسه همراه شوند و احساس امنیت ندارند. در این باره، زهرا که دو فرزند کوچک دارد می‌گوید:

«همسرم معمولاً سرکار است و بچه‌ها می‌خواهند بازی کنند. از همه فجایع اینجا هم بگذریم، این وسایل بازی دست و پای بچه‌ها را زخمی می‌کند و اصلاً امنیت ندارند که از اینجا استفاده کنند. من واقعاً توان رفتن به بستان‌های بالای شهر یا شهر بازی و امثال اینها را ندارم و توقع دارم کنار خانم‌ها که پارک است بتوانم محلی برای تفریح کم‌هزینه بچه‌ها داشته باشم. این موضوع مرا هم افسرده کرده».



تصویر ۸

تصویر ۸ بر زیادبودن فضاهای بی‌دفاع و خانه‌های خالی از سکنه در این محله تأکید دارد (عکس از پژوهشگر سرای محله). این مکان‌های خالی از سکنه و مخروبه، غالباً خالی نیستند و به مکان‌هایی برای وقوع انواع بزه‌کاری، مصرف و خریدوفروش مواد تبدیل شده‌اند. در این باره، بسیاری از ساکنان محله مصاحبه کرده‌اند و این از مهم‌ترین دغدغه‌های آنها در کنار تردد آزاد بزه‌کاران در مجاورت دبیرستان دخترانه است. "مریم" در این باره می‌گوید:

«من شاید یک‌روز همین مسیر پنج‌دقیقه‌ای را هم نخواهم با فرزندم بروم یا نتوانم او را برسانم! آیا این انصاف است که در مجاورت محل زندگی من به فاصله ۵ دقیقه تا مدرسه، این فضاها که مناسب دیدن فرزند نوجوانم نیست باشد؟»

با توجه به آنچه در اسناد مشاهده و بررسی شد، و تلاش برای ذکر بخش‌هایی از مصاحبه‌های طولانی، که داده‌ها و مفاهیم از آنها برآمده است، در نهایت، می‌کوشیم به تناسب وضعیت بومی خاص محله و ناحیه، به‌سوی نظریه‌پروری حرکت کنیم. این اقدام نیز با توجه به دیدگاه و حساسیت نظری پژوهشگر در جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها و رویکرد او به مشاهدات داده‌هایی که جمع کرده است در دسته‌بندی مفاهیم و مقوله‌ها صورت می‌گیرد. در مشاهدات میدانی و جمع‌آوری پاسخ‌ها به پرسش‌های اساسی تحقیق و تحلیل اسناد مخاطبان کسانی هستند که خالق مسئله‌ها یا ناظر مستقیم بر آنها هستند و مفاهیم گردآوری شده، مصداق عکس و مصاحبه دارند. پس، این قابلیت ایجاد می‌شود که کم‌کم مفاهیمی که در تأویل و تفسیرها از نظر معنایی به هم نزدیک‌ترند، در یک مقوله بگنجد و تحقیق به‌سوی مرحله رمزگذاری محوری پیش برود. مفاهیمی که در پاسخ به سؤالات مهم و اصلی پژوهش جمع‌آوری شدند و بیشترین تکرار را در بررسی و تحلیل اسناد تحقیق داشته‌اند، به شرح ذیل‌اند:

امنیت جانی، مالی، روانی، بزه‌کاری، تجمع معتادان و توزیع‌کنندگان مواد، حضور دختران و پسرانی که روابط خارج از عرف در دید عموم دارند، ورزش و تفریحات سالم همگانی و خانوادگی با هزینه اندک، بستر مناسب برای استفاده از اماکن تفریحی کم‌هزینه، انگیزه، شادی

و کاهش استرس، امکانات و امنیت لازم برای استفاده از فضای سبز در منطقه، آپارتمان‌های کوچک با امکانات بسیار محدود، تعاون و همکاری در محله در تمام زمینه‌ها، مشارکت در مراسم مذهبی به‌ویژه ماه محرم، منازعات و درگیری‌های شدید، تخریب اموال عمومی، بهداشت و سلامت، رعایت حقوق شهروندی در جریان استفاده از حوزه عمومی، لزوم ایجاد نمایشگاه‌های فصلی یا دائمی مناسبی و فرهنگی، لزوم ایجاد ایستگاه‌های فرهنگی که شامل ارائه کتاب‌های جیبی آموزشی و سازنده، روزنامه‌ها و مجلات است.

سه مقوله اصلی در این میان شناسایی شدند که مفاهیم تکرار شده برآمده از تحلیل اسناد توانستند آنها را اشباع کنند. این سه مقوله، که بیشترین مفاهیم را در خود جای داده‌اند، در ادامه، در جدولی به صورت تفکیک شده، ارائه می‌شوند. مقوله مرکزی شناسایی شده در این پژوهش، که بقیه مقولات حول آن و در ارتباط با آن قابلیت توضیح دارند، ذکر می‌شود. البته، با توجه به نوع روش انتخاب شده، در نهایت این محقق خواهد بود که با مرور نظری و فهم خود از فضا و میدانی که در آن بوده است، با تمرکز بر مقوله مرکزی برجسته‌تر، به بسط نظری یا توصیفی در سطحی بالاتر، در صورت امکان، دست خواهد یافت.

مقوله ۱. احساس ناامنی اجتماعی

وضعیت بحرانی خانواده‌ها از نظر امنیت اجتماعی محله و آثارش بر کارکردهای خانوادگی و تأکید مصاحبه‌شوندگان، زنان و کسبه محله، گزارش‌هایی که در منطقه برج‌های نواب حاکی از خودکشی زنان و قرار گرفتن آنها در معرض تهاجم است، در کنار گزارش افراد از حضور نیافتن به موقع پلیس در محله برای کنترل مشکلات ناشی از حضور بزه‌کاران، کافی نبودن امکانات مالی اغلب این خانواده‌ها و افراد برای استفاده از تفریحات دیگر در محله‌های دیگر به اختلال جدی در کارکرد متصور برای خانواده در زمینه برنامه‌ریزی برای اوقات فراغت منجر شده است. چنانچه خانواده‌ها نتوانند از فضای محلی خود استفاده کنند، به مشکل خواهند خورد. نگاهی به جدول ۱، مفاهیم و مقولاتی که بیشترین تکرار را داشته‌اند، تبیین‌کننده این موضوع است.

مقوله ۲. فقدان بهداشت اعضای خانواده (روانی - جسمی)

نگرانی‌هایی که به فضای داخل خانواده کشیده می‌شوند، به اختلافات همسران و نبود فضای عاطفی پایدار در خانواده‌ها می‌انجامد و افسردگی زنان خانه‌دار، نارضایتی آنها از زندگی و سردی و نارضایتی همسران از یکدیگر را در پی می‌آورد. الودگی فضای محل، زباله‌ها و فضاهای غیرسبز و جرم‌زا، به نگرانی دائم خانواده‌ها از زورگیری، حتی در ورودی‌های برج‌های نواب و

محل سکونت خود دامن زده و این موارد از مهم‌ترین دلایل افراد برای فقدان بهداشت روانی بود. استفاده سگ‌های واکسینه‌نشده موادفروشان از آب‌خوری محله، که واقع در فضای سبز و محل بازی کودکان است، آسیب‌زاد بودن وسائل بازی کودکان در بوستان و فقدان برنامه‌های گروهی و ورزشی به‌ویژه برای زنان خانه‌دار محله، به بی‌انگیزگی گسترده دامن زده است که در مصاحبه‌ها و مشاهدات آشکارا دیده می‌شود.

مقوله ۳. اختلال در تعامل فرهنگی-اجتماعی

اختلال در رفع نیاز اعضای محله به گسترش فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی، که تقویت‌کننده تعاملات اجتماعی ساکنان است؛ برآورده‌نشدن نیاز مردم محل به پاک‌سازی محیط از عوامل بازدارنده کنش‌های سازنده؛ اختلال در آموزش و تربیت کودکان با الگوپذیری از روحیه تعاون، رفتار مطلوب، نوع‌دوستی، اعتماد به محیط سکونت که در مسیر تحقق تربیت صحیح کودکان به کار می‌آید مشکل‌آفرین شده است. ایجاد اختلال در مشارکت‌های مردمی، اختلال در کارآیی مدیریت محله‌محور و... باعث ایجاد نگاه طنزآلودی در میان مردم ساکن برج‌های نواب شده است که نظم عمومی را زیر سؤال می‌برد. این عوامل به همکاری نکردن و رعایت نکردن قوانین عمومی و حقوق شهروندان دیگر منجر شده است. کافی نبودن ظرفیت محله برای تبدیل فضاهای بی‌دفاع موجود به مکان‌هایی در جهت زندگی سالم ساکنان و افزایش حس تعلق محله‌ای از مسائل مهم و درخور توجه است.

جدول ۱. مفاهیم و مقولات

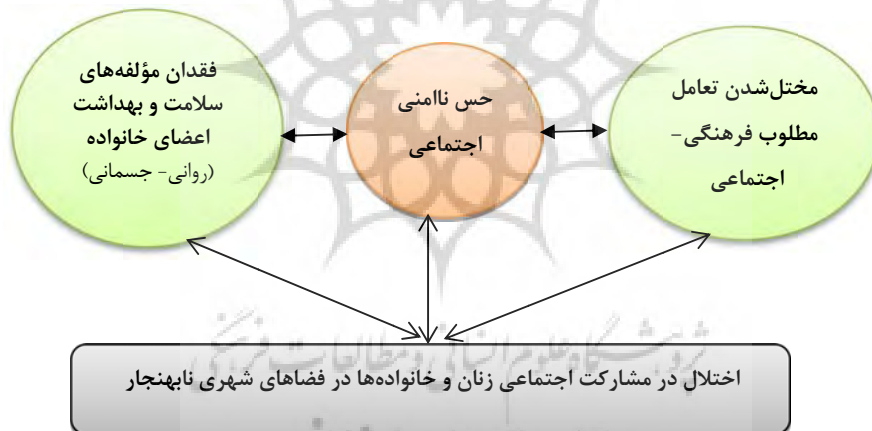
مقولات	مفاهیم برآمده از رمزگذاری داده‌ها	تعداد
حس ناامنی اجتماعی	وضعیت بحرانی خانواده‌ها از نظر امنیت اجتماعی محله، آثار نبود حس امنیت بر کارکرد تعاملی خانواده، حضورنداشتن به‌موقع پلیس در محله برای کنترل مشکلات ناشی از حضور معتادان، قمه‌کشان، موادفروشان، روسپیان، کنترل نکردن عربده‌کشی‌ها و ایجاد اضطراب، ناامنی پارک محله و خیابان‌های اطراف، عبور و مرور فرزندان به مدرسه و زنان به محل‌های فراغت در وضعیت ناامنی، ایجاد مزاحمت برای زنان، کودکان و نوجوانان به‌ویژه در مسیر مدرسه، روابط جنسی علنی در محله و کوچه‌های اطراف برج و پارک محله، تصاویر این‌گونه و نابهنجار مقابل دید کودکان و نوجوانان، تأثیر در جامعه‌پذیری کودکان و نوجوانان، ترس خانواده‌ها از استفاده از پارک محله و فضای سبز، کم‌بودن امکان مالی افراد برای استفاده از تفریحات دیگر، ترجیح محیط کوچک داخل منزل به فضاهای سبز محلی به‌دلیل ترس، تغییر کارکرد فضای مطلوب تفریح خانواده‌ها و به‌ویژه کودکان به فضای ناامن و جرم‌خیز، اضطراب	۲۸

امنیت و مشارکت اجتماعی زنان در مواجهه با ناپهنجاری‌های محله‌ای

مقولات	مفاهیم برآمده از رمزگذاری داده‌ها	تعداد
	از حضور دائمی توزیع‌کنندگان مواد مخدر در مجاورت برج‌ها، ترس زنان و خانواده‌ها از ایجاد دام برای نوجوانان و فرزندان آنها در دبیرستان محله، شکل‌گیری نوعی اضطراب وسیع در خانواده، ترس و اضطراب مادران از آمدوشد فرزندان‌شان در اطراف برج‌ها، اختلال در جامعه‌پذیری فرزندان خانواده، مزمن‌شدن حس بی‌اعتمادی و نبود امنیت اجتماعی	
فقدان مؤلفه‌های بهداشت خانواده‌ها (روانی - جسمی)	اضطراب‌های روانی گسترده، شیوع نگرانی در فضای داخل خانواده، تشنج و اختلافات همسران، نبود فضای عاطفی امن و پایدار در خانواده‌ها، آلودگی بصری ناشی از وجود زباله‌های پراکنده، درختان هرس‌نشده و فضاهای بدون درخت و گل موجود در محله، تعدد و تکثر فضاهای بی‌دفاع و جرم‌زا، نگرانی دائم خانواده‌ها از زورگیری در رفت‌وآمد محلی، زورگیری در ورودی‌های برج‌های نواب، علاقه‌نداشتن به دلیل ترس از محیط سکونت، استرس دائمی، پرخاشگری‌های متعدد در خانواده‌ها و میان زنان و مردان، نارضایتی زنان از محل سکونت، افسردگی، استفاده هم‌زمان سگ‌های واکسینه‌نشده موادفروشان از آب‌خوری محله واقع در فضای سبز موجود و محل بازی کودکان و کودکانی که به پارک می‌آیند، کم‌رنگ‌شدن روزافزون رفت‌وآمد تفریحی، انزوای نبود ارتباط منسجم شهروندی، فقدان فضای ورزش‌های گروهی صبحگاهی، محدودشدن زنان خانه‌دار و کودکان به فضاهای کوچک آپارتمان‌ها، افسردگی و بی‌انگیزگی گسترده	۲۰
مختل‌شدن تعامل فرهنگی اجتماعی	اختلال در رفع نیاز اعضای محله به گسترش فعالیت‌های فرهنگی-اجتماعی، فقدان رشد و تقویت تعامل اجتماعی ساکنان محله، برآورده‌نشدن نیاز مردم محله، پاک‌سازی نکردن محیط از عوامل بازدارنده کنش و معاشرت، اختلال در حفظ روحیه تعاون و آموزش و تربیت کودکان، فقدان مؤلفه‌های الگوپذیری صحیح و روحیه تعاون، رفتار نامطلوب، کم‌رنگ‌شدن حس نوع‌دوستی، کم‌شدن اعتماد در محیط سکونت، کم‌رنگ‌شدن تعامل اجتماعی در مسیر تربیت صحیح فرزندان، اختلال در مشارکت اجتماعی و همگانی و مردمی، اختلال در کارآیی مدیریت محله‌محور، اشاعه نگاه طنزآلود میان مردم محله، به‌سخره‌گرفته‌شدن قانون و نظم عمومی، نبود همکاری و رعایت نکردن قوانین	۱۵

مقولات	مفاهیم برآمده از رمزگذاری داده‌ها	تعداد
	عمومی و حقوق شهروندی، ظرفیت‌نداشتن محله برای تبدیل فضاهای بی‌دفاع موجود به مکان‌هایی در جهت آرامش و آسایش ساکنان، کاهش حس تعلق محلی به‌ویژه در زنان و کودکان این محله	

با توجه به دسته بندی داده ها و مفاهیم (جدول شماره ۱) احساس ناامنی اجتماعی، فقدان مؤلفه‌های سلامت و بهداشت اعضای خانواده (روانی- جسمی) و مختل شدن تعاملات مطلوب فرهنگی-اجتماعی، به‌منزله سه مقوله اصلی پژوهش شناسایی شدند. بر مبنای یافته ها، در زمینه آسیب‌شناسی ناپهنجاری‌های موجود در محله و اختلال در امنیت و مشارکت اجتماعی زنان الگوی تحلیلی ذیل را می‌توان در نظر گرفت:



الگوی تحلیلی ارتباط سه مقوله اصلی برآمده از این تحقیق را با اختلال در مشارکت اجتماعی زنان که غالباً خانه‌دارند و بیشترین زمان خود را در یا خانه یا محله مجاور آن سپری می‌کنند نمایش می‌دهد. جامعه پذیری فرزندان، از مهم‌ترین کارکردهای خانواده است که درحین تعامل شکل می‌گیرد. مقوله احساس ناامنی اجتماعی، که به‌طور مشخص بر همه اعضای خانواده اثری اضطراب‌زا دارد، به عنوان مقوله محوری شناسایی شد که به ایجاد اختلالات بنیادین در کارکرد

خانواده‌های ساکن برج‌های نواب و به‌ویژه زنان این محله منجر شده است. دو مقوله دیگر نیز حول محور این مقوله توصیف‌پذیرند. کم‌بودن یا فقدان مشارکت زنان محله را می‌توان پیامد سه مقوله اصلی، به‌ویژه مقوله فقدان امنیت اجتماعی دانست. ازسوی دیگر، نوعی کنش تازه نیز در درون این جامعه درمیان افراد ساکن محله، مشاهده شد که به‌سخره‌گرفته‌شدن نظم حاکم و قوانین جدی موجود است. درحالی‌که افراد تصور می‌کنند که از بدیهیات حقوق شهروندی خود در هر جایگاهی محروم هستند. بر اساس مشاهدات و مصاحبه‌ها، به‌نظر می‌رسد که بزه‌کاران و افراد عادی در برخی موقعیت‌ها در یک‌صفت قرار می‌گرفتند و همراه با هم نظم حاکم را تمسخر می‌کردن، این نوع برخورد با ناپهنجاری‌ها را می‌توان با نظریه کارتاوال باختین توضیح داد. در ادامه و در بخش دستاوردهای عملی و جمع‌بندی پژوهش، به‌صورت مفصل‌تری به این موضوع پرداخته خواهد شد.

دستاوردهای عملی پژوهش

باتوجه به آنچه در مقوله‌های پژوهش دیده شد و ردپای آن در لحن مردم، محتوای مصاحبه‌ها و مفاهیمی که ایجاد شدند هم قابل مشاهده بود، و با تأکید بر نظریه کارتاوال، و با توجه به حضور محقق در میدان، این نظریه به وضعیت موجود افراد مشارکت‌کننده در تحقیق و هم‌زیستی اجباری میان بزه‌کاران و ساکنان عادی محل نزدیک‌تر بود. منطق کارتاوال، منطق دوسویگی است و با پیوستگی عناصر مثبت و منفی و برقراری بی‌قانونی تعریف می‌شود و در طول زمان استمرار می‌یابد و به عادت تبدیل می‌شود. بر مبنای نظریه باختین، اگر ضدارزش‌ها به‌صورت ریشه‌ای جای ارزش‌ها را بگیرند و نتوان آنها را تفکیک کرد، این جریان از سطح محله به سطح شهر و فضای وسیع‌تر امکان گسترش دارد.

کارتاوالی که باختین به آن اشاره می‌کند، دارای تأثیر طولانی‌مدت و ویران‌کننده هم می‌تواند باشد؛ چون با خواست صاحبان قدرت و قوانین حاکم بر جامعه ناسازگار است. در بررسی نتایج تحقیق و در فرآیند آسیب‌شناسی مشارکت اجتماعی زنان و خانواده‌های ساکن برج‌های نواب، در وضعیتی که محله از این میزان ناپهنجاری آسیب می‌بیند، نوعی اعتراض، اضطراب و بی‌قانونی حاکم شده است که در اظهارات و بررسی شیوه زندگی و برخورد این زنان و خانواده‌های ساکن محله فهمیده می‌شود. زنان محله، مشارکت در حل مشکلات مزبور را بی‌نتیجه و اقدامات مسئولان را ظاهری دانسته‌اند. مطابق مشاهدات محقق، آنها با نگاهی سخره‌آمیز به افراد و سازمان‌هایی می‌نگرند که برای ارائه خدمات اجتماعی پیش‌قدم می‌شوند (همچون جلسه‌های تسهیلگری و فعالیت‌های آسیب‌شناسانه محلی) و به محققان و سازمان‌هایی که برای تحقیق و آسیب‌شناسی وارد فضای محله می‌شوند خوش‌بین نیستند. اغلب معتقدند که

این افراد در ظاهر متخصص، دغدغه و عزمی برای رفع مشکلات مردم ندارند، بلکه برای تلف کردن بودجه‌هایی که با این عنوان گرفته‌اند یا برای تکمیل پایان‌نامه‌ها و تحقیقات دانشگاهی و شخصی خود وارد میدان شده‌اند.

پاک کردن صورت مسئله و گذران باری به هر جهت زندگی روزمره، به‌سخره گرفتن دستگاه اصلاح‌کننده به دلیل بی‌اعتمادی گسترده، نفوذ این نگاه در خانواده‌ها و روابط اعضای خانواده و ندیدن نتیجه‌ای مستمر در طول زمان، که بر زندگی آنها اثر مطلوب داشته باشد، به تدریج به کنار گذاشتن و نادیده گرفتن مقررات و جابه‌جاشدن ارزش‌ها و ضدارزش‌ها منجر شده است. در محوطه برج‌ها و محل‌های فراغت، رفت‌وآمد و ورزش زنان و عبور و مرور فرزندان آنها، تملک فضاهای زندگی شهری از سوی بزه‌کاران و ترک‌تازی آنها دیده می‌شود و در طرف دیگر، نگاه انتقادی سخره‌آمیز آسیب‌دیدگان و ساکنان ناراضی از وضعیت زندگی و فضای محلی و تلاش آنها برای رویارویی متقابل با بزه‌کاران از مسیرهای غیرقانونی مشهود است. چنین وضعیتی در فضای محلی برج‌های نواب، نظم جدیدی ایجاد کرده است: گویی، هر دو گروه در برابر نظام برنامه‌ریزی و نظارت اجتماعی محله و به طور کلی نظام اداره جامعه در تقابل‌اند.

در خلال تحقیق حاضر، توصیفی که در سطحی بالاتر درباره وضعیت کلی فرهنگی-اجتماعی و مسئله مشارکت اجتماعی و زندگی زنان و خانواده‌های برج‌های نواب حاصل شد، "تقابل کارناوالی در فضای شهری" نام گرفت. این تقابل زمانی می‌توانست از بین برود که ساکنان محله، به‌ویژه زنان ساکن برج‌های نواب، فضایی را که حق عمومی و شهروندی آنها برای گذران فراغت بود، تحت تملک خود درآورند و از تصرف بزه‌کاران خارج کنند.

بخش عملیاتی و کاربردی مطالعه، با توجه به اینکه محقق بر این باور بوده است که شاید تحقیقات میدانی بتوانند فراتر از ثبت و ارائه صرفاً تحلیلی اطلاعات به مراکز علمی، گامی هرچند کوچک، آموزش‌محور و کاربردی بردارند، شکل گرفته است. با مشارکت زنان محله و برنامه‌ریزی جهت حضور بیشتر آنان در محوطه فضای سبز با همراهی تسهیلگر (محقق)، زنان محله موفق شدند در اولین قدم شهرداری منطقه را وادار کنند سطل‌های زباله را در مقابل مدرسه و فضای اطراف برج‌ها، به‌صورتی که امکان جابه‌جایی نداشته باشد، نصب کنند و انتشار زباله در سطح محله را کنترل کنند؛ زیرا به بهداشت عمومی محله صدمه زده بود.



تصویر ۹

تصویر ۹ نصب سطل زباله ثابت را نشان می‌دهد که از طریق مشارکت و پیگیری زنان محله صورت گرفت. زنان ساکن برج‌ها در این مرحله از جایگاه مطالعه‌شونده خارج شدند و در جایگاه عامل فعال، به رفع آنچه یکی آسیب‌های اصلی فضای سکونت آنها در خلال تحقیق شناخته شده بود اقدام کردند.



تصویر ۱۱



تصویر ۱۰

تصاویر ۱۰ و ۱۱ بخشی از مرحله تملک فضا را به‌همت زنانی که درباره آنها مطالعه شد، با همراهی محقق/ تسهیلگر نشان می‌دهد. پس از مصاحبه‌ها و مشارکت زنانی که در سرای محله با محقق آشنا شدند و ورود فعالانه آنها به میدان تحقیق به قصد اصلاح محیط زندگی‌شان، بنا به موافقت عمومی آنها که تمایل داشتند هم از فضای سبز اطراف خود استفاده کنند و هم درآمد کسب کنند، ساخته‌های دستی این زنان برای فروش به‌صورت گروهی در بوستان رودکی در مجاورت برج‌های نواب، که محلی جرم‌خیز بود و در آن بزه‌کاران پراکنده بودند، فقط برای یک‌روز به‌نمایش گذاشته شد و به‌صورت خودجوش برای چندساعت محوطه از تملک مجرمان، موادفروشان و بی‌خانمان‌های مستقر در بوستان خارج شد.

از سوی دیگر، این زنان با فروش دست‌سازهای خود شامل بافته‌ها، سبزی‌هایی که در خانه خشک کرده بودند و... درآمد کسب کردند و این رفتار گروهی و مشارکت اجتماعی توانست حس قدرت ازدست‌رفته را به آنها بازگرداند و اضطراب‌هایشان را کم‌رنگ کند. اما همچنان اصرار داشتند که این حرکت‌ها مقطعی است و بدون حضور پژوهشگر استمرار نخواهد داشت. به عبارت دیگر تملک فضا گرچه صورت گرفته است، اما لغزنده و غیرثابت است. واکنش این شهروندان، بدون رفع معضلات شهری موجود، اثرگذار نخواهد بود.

جمع‌بندی

محقق در محله مورد مطالعه، یعنی برج‌های نواب و اطراف آن، به جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها، مقوله‌بندی و دستیابی به الگویی پرداخت که عوامل اثرگذار بر مشارکت اجتماعی زنان و خانواده‌های ساکن محله را به‌نمایش می‌گذاشت. در ادامه، تمرینی عملی و اقداماتی کاربردی با مشارکت زنانی که وضعیت فرهنگی-اجتماعی آنها در آن موقعیت مورد نظر تحقیق بود انجام شد، با این هدف که تحقیق از به‌نمایش کشیدن صرف مشکلات فراتر رود و اعتماد عمومی ایجاد شود؛ زیرا این زنان به نیت محققان این حوزه و مسئولان برای رفع مشکلاتشان بسیار بی‌اعتماد بودند.

ره‌یافت‌ها و راه‌کارهایی نیز با این تجربه‌ها قابل ارائه هستند که به‌نظر می‌رسد اگر محور کار سیاست‌گذاران، ناظران و برقرارکنندگان نظم اجتماعی در سطح محله‌ای خصوصاً درباره زنان قرار گیرد، در مقایسه با دستاورد این پژوهش در جامعه نمونه‌ای کوچک، می‌تواند در سطح کلان‌تر اثرگذاری جدی داشته باشد. مطابق مشاهدات مستقیم و تحلیل اسناد، در موقعیت حضور پژوهشگر تسهیلگر، مشارکت اجتماعی زنان و احساس امنیت نسبی برای تملک فضا حتی به‌صورت مقطعی شکل می‌گیرد. پس، تحقق مستمر این اتفاق و تقویت مشارکت اجتماعی ناممکن نیست، بلکه به دغدغه و برنامه‌ریزی وسیع و جدی نیاز دارد.

زنان محله همچنان ترس از بزه‌کاران را، البته با توجه به سوابق رفتارهای مجرمانه پیشین آنها در محله، همراه داشتند و از طرف دیگر، هیچ آمیدی به حمایت جدی و ادامه انجام چنین اقداماتی، که دست‌کم چندبار در هفته فضا را برای آنها هموار و مناسب کند، نداشتند. مشارکت زنان در پیگیری برای گرفتن کمترین امکانات بهداشتی، یعنی نصب سطل زباله در فضای محله گرچه مهم و برجسته بود، مقطعی به‌نظر می‌رسید؛ چراکه همچنان با نگاهی سخره‌آمیز به موضوع نگاه می‌کردند و اعتمادی به دل‌سوزی و آمیدی به عزم جدی مسئولان برای رفع مشکلات محله خود یا اعزام افرادی دیگر که دوره‌های تسهیلگری زنان را به‌صورت

کاربردی به عرصه عمومی بکشانند نداشتند. در طول تحقیق، مواجهه تمسخرآلود بزهکاران پراکنده در محله و بوستان هم دیده شد که گویی این‌گونه اقدامات بی‌اثر را در موارد متعدد دیده بودند و می‌دانستند که در نهایت روال عادی زندگی آنها را کسی برهم نخواهد زد.

پیشنهادها و راه‌کارها

برخی نکاتی که شاید وضعیت ساکنان محلات جرم‌خیز را بهبود بخشند، باتوجه به بررسی‌های میدانی، مشاهدات و نتایج تحقیق، به قرار ذیل است:

(۱) آموزش افراد به‌ویژه زنان خانه‌دار و کودکان که در این مطالعه آسیب‌پذیرتر به‌نظر می‌رسیدند.

(۲) آموزش‌های محلی درباره وظایف متقابل اعضای خانواده، افزایش مهارت‌های افراد به‌ویژه کودکان تا قادر باشند حتی در صورت وجود جرم، واکنش‌هایی صحیح و سریع در دفاع از خود نشان دهند.

(۳) برگزاری کارگاه‌های کاربردی رایگان برای توان‌افزایی زنان، با هدف ازبین‌رفتن اضطراب‌های آنها، یادآوری حق آنها در جایگاه شهروند و حق عمومی آنها از فضاهای شهری همگانی به‌جای واگذاری این فضاها به بزه‌کاران.

(۴) نیازسنجی دقیق در این زمینه (چراکه نمی‌توان طرح مورد نیاز هر جامعه را بدون بررسی وضعیت خاص آن جامعه ارائه داد و حتی لازم است طرح‌های اجتماعی در حوزه زنان از محله‌ای به محله‌ای دیگر متفاوت باشد، مثلاً طرح‌هایی مانند جشنواره‌های غذا و لباس و... در محیط‌هایی که در کل امکان حضور افراد به دلایل مختلف از جمله نبود امنیت، مقذور نیست، ناکارآمد بودند).

(۵) پیگیری امور اجرایی و آموزشی، نظارت مستمر دانش‌آموختگان، تحلیلگران و آسیب‌شناسان اجتماعی و متخصصان علوم اجتماعی و حوزه زنان و خانواده، به‌صورت مستقیم در میدان.

(۶) یاری‌گرفتن از نیروهای پلیس با تمرکز بر نظر متخصصان آسیب‌شناس جامعه و رویکرد اصلاح وضعیت نه ارباب.

(۷) ملزم کردن نیروی انتظامی به همکاری مستمر با خدمت‌رسانان و آسیب‌شناسان اجتماعی در محله‌های جرم‌خیز و توجه جدی ناظران و بازرسان شهری به سلامت فضای زندگی مردم در این‌گونه محلات.

۸) برنامه‌ریزی برای برگزاری مراسم خاص از سوی سازمان‌های مرتبط با این حوزه و شهرداری، در فضای سبز محله، با هدف ناامن کردن هرچه بیشتر فضا برای بزه‌کاران و افزایش مشارکت اجتماعی ساکنان و خانواده‌های ساکن محله.

۹) قرارداد و مسائل بازی سالم برای کودکان محله در محوطه برج‌ها و بوستان‌ها، به‌منزله حق شهروندی کودکان و خانواده‌ها و تأمین سلامت جسمانی و رفاه کودکان، با این هدف که خانواده‌ها قادر باشند بدون صرف هزینه‌های گزاف، از حداقل‌های تفریحی محله، در گذران اوقات فراغت خود بهره ببرند.

۱۰) سامان‌دهی افرادی که در این محلات جرم‌خیز اقامت دارند، با اینکه در نظر عموم و حتی مسئولان انتظامی عنصری آسیب‌زا به‌نظر می‌رسند، خود، نیازمند حمایت اجتماعی و اقتصادی و بهداشتی هستند، اقشاری مانند کارتن‌خواب‌ها که برخی از آنها به باور پژوهشگر بیشتر آسیب‌دیده و سرخورده اجتماعی به‌نظر می‌رسند تا آسیب‌رسان! همچنین، زنان کارگر جنسی محله، که درحقیقت، آنها هم اقشار آسیب‌خورده اجتماعی هستند و توجه به آنها در یک مقوله مجزا ضروری است.

منابع

- آرون، ریمون (۱۳۶۴) *مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی*، ترجمه باقر پرهام، تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
- آشوری، داریوش (۱۳۸۵) *دانشنامه سیاسی*، چاپ سیزدهم، تهران: مروارید.
- ابراهیمی، قربانعلی و رقیه مسلمی پطروودی (۱۳۹۱) «اوقات فراغت، سرمایه فرهنگی و زنان»، مطالعه موردی زنان شهرستان جویبار»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره نهم، شماره ۴: ۷۳-۹۱.
- احمدپور، احمد و فاطمه سالاروندیان (۱۳۹۱) «روند تحولات تاریخی فضاهای گذران اوقات فراغت زنان از قاجاریه تاکنون در شهر تهران»، *زن در توسعه و سیاست*، دوره دهم، شماره ۳: ۵۱-۷۴.
- استراس، آنسلم و جولیت کوربین (۱۳۸۵) *اصول روش تحقیق کیفی (نظریه مبنایی: رویه‌ها و شیوه‌ها)*، ترجمه رحمت‌الله رحمت‌پور، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- بیرو، آلن (۱۳۷۰) *فرهنگ علوم اجتماعی*، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- پوینده، محمدجعفر (۱۳۷۷) *درآمدی بر جامعه‌شناسی ادبیات*، تهران: نقش.
- تولایی، نوین (۱۳۷۲) «فضای شهری و روابط اجتماعی و فرهنگی»، *نامه پژوهش فرهنگی*، شماره ۵: ۱۴۰-۱۰۹.
- جوانمرد، بهروز (۱۳۸۶) «نظریه‌های کیفی و رویکرد جرم‌شناسی ج.ا در جرائم سبک»، *فصلنامه امنیت*، سال پنجم، شماره ۳: ۹۱-۷۱.

امنیت و مشارکت اجتماعی زنان در مواجهه با ناپهنجاری‌های محله‌ای

- رهنما، محمد رحیم و محمد حسن رضوی (۱۳۹۱) «بررسی تأثیر حس تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و مشارکت در محلات شهر مشهد»، هنرهای زیبا، معماری و شهرسازی، دوره هفدهم، شماره ۲: ۲۹-۳۶.
- عبداللهی، محمود (۱۳۸۳) «آسیب شناسی اجتماعی و روند تحول آن در ایران»، مجموعه مقالات دومین همایش آسیب شناسی اجتماعی در ایران: ۱۵
- علی‌اکبری، اسماعیل (۱۳۸۳) «توسعه شهری و آسیب‌شناسی اجتماعی ایران»، پژوهش جغرافیایی، شماره ۴۸: ۴۹-۶۹.
- گلی، علی (۱۳۹۰) «زنان و امنیت در فضاهای عمومی شهری (مطالعه موردی: پارک شیراز)»، جامعه‌شناسی تاریخی، دوره سوم، شماره ۲: ۱۴۳-۱۶۵.
- گلی، علی و همکاران (۱۳۹۴) «عوامل مؤثر در احساس امنیت اجتماعی زنان در فضاهای عمومی شهری با مطالعه موردی پارک ائل‌گلی تبریز»، مطالعات راهبردی زنان، سال هجدهم، شماره ۶۹: ۹۶-۱۳۶.
- لهسایی‌زاده، عبدالعلی (۱۳۸۳) «بحران محیط زیست و توسعه همه‌جانبه و پایدار»، مجموعه مقالات مسائل اجتماعی ایران، انجمن جامعه‌شناسی ایران، تهران: آگه.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۵) «بیگانگی، مانعی برای مشارکت و توسعه ملی»، نامه پژوهش، شماره ۱: ۸۹-۱۱۰.
- نایی، هوشنگ و همکاران (۱۳۹۰) «نقش فضاهای بی‌دفاع شهری در رفتارهای خشونت‌آمیز»، دانش نظامی، سال سیزدهم، شماره ۱: ۱۹۹-۲۳۱.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی